

## جایگاه آب در امثال و حکم

دکتر محمد صادق فرید\*

شناخت تاریخ و فرهنگ هر کشور و آشنایی با مسائل مختلف اعم از مسائل سیاسی، اجتماعی، ادیان، مذاهب، علوم و فنون، فرهنگ عامه و... چه به صورت عمومی و چه به صورت منطقه‌ای و قومی، از طریق اسناد و مدارک و منابع تاریخی محض امکان‌پذیر نیست و نباید تنها به آنها اکتفا کرد، بلکه باید علاوه بر استفاده از منابع فوق به دواوین اشعار شعرا، آثار ادبی، تذکره‌ها، افسانه‌ها، قصه‌ها، تمثیلات، داستان‌ها و منظومه‌های عامیانه نیز مراجعه کرد و از طریق تحلیل محتوای آنها و بررسی‌های تطبیقی با موارد موجود و منابع تاریخی و باستانی به تدوین و تبیین فرهنگ و تمدن یک ملت یا یک قوم پرداخت.

---

\* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز (گروه مردم شناسی)

برای تبیین و تدوین فرهنگ و تمدن اقوام و ملل و تجزیه و تحلیل آنها باید از یکی از شیوه‌ها و روش‌های تجزیه و تحلیل بهره برد تا نتایج به دست آمده مستدل باشد و تبیین جنبه علمی بیابد. نظریه کنش متقابل بین انسان و محیط مناسب‌ترین شیوه تجزیه و تحلیل فرهنگ‌ها از خلال ابزارهای فرهنگی مانند ضرب‌المثل‌ها، قصه‌ها، اسطوره‌ها و... است.

رابطه بین انسان و محیط و چگونگی آن زمینه‌ساز خلاقیت‌ها و نوآوری‌هایی است که تحقق نیازهای انسان را امکان‌پذیر می‌سازد. لذا فراوانی یا کمبودهایی که در محیط پیرامون انسان وجود دارد، ترسیم‌کننده شیوه‌های کنش انسان است؛ چرا که هر نوع کنشی در جهت تحقق نیاز انسان صورت می‌گیرد. به سخن دیگر، مبنای کنش انسان نسبت به دنیای پیرامون خود، جلب رضایت و مفید بودن است.

کمبود یا فراوانی منابع طبیعی مانند آب، جنگل، مرتع و... چنین کنشی را ایجاد می‌کند که عمده هدف آن حفظ و دوام منابع طبیعی و استفاده بهینه از آن است. نوآوری‌های مادی و غیرمادی انسان برای نیل به این هدف موجب ابداع سیستمی می‌شود تا ضمن برخورداری از منابع موجود، امنیت و دوام آن نیز تضمین گردد. به سخن دیگر، سیستم‌های ابداعی برخوردار از انرژی و ظرفیت‌های عمیق فرهنگی است، به نحوی که افراد جامعه را نسبت به رعایت آنها متعهد و مسئول می‌سازد.

## دین و آب

توانمندی مبانی اقتصادی در دوام و انتظام اجتماعی و امنیت منابع و نعمات طبیعی مورد تأیید اکثر مردم‌شناسان، جامعه‌شناسان و سایر متخصصان علوم انسانی قرار گرفته است. لذا به نظر می‌رسد کمتر قانونی از ظرفیت و توانایی‌های مبانی اعتقادی در ایجاد انواع امنیت‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... برخوردار باشد.

پیشینیان ایران زمین آب را محترم می‌شمردند و حتی آن را مقدس می‌دانستند و برای نظافت و پاکیزگی و بهداشت آب و جلوگیری از بیماری‌های ناشی از آلودگی آن دستورها و قوانین خاصی وضع کرده بودند. آنها از ریختن کثافات در آب جلوگیری می‌کردند و نمی‌گذاشتند آب پاکیزگی خود را از دست بدهد و فرشته پاک و مقدس آب را آناهیتا می‌خواندند، ضمن آنکه این اسم همچنین نام رودی است مینوی.

درباره آناهیتا سراسر «آبان یشت» که اولین یشت از یشتها (بخشی از کتاب مقدس اوستا) و چکامه‌ای است در ستایش او، از هر یادداشتی گویاتر است.

ویژگی ستایش از آناهیتا در بندهای سوم و چهارم و پنجم چنین ذکر شده است. «بند ۳. اوست برومندی که در همه جا پرآوازه است، بزرگی که در بزرگی هم‌چند آب‌های روان زمین است. نیرومندی که از کوه هکر (HOKAR) به دریای فراخ کرت [به احتمال قوی دریای خزر کنونی است] فرو ریزد.»

«بند ۴. در آن هنگام که اردویسور آناهیتا آن را که هزار رود و هزار دریاچه هر یک به بزرگی چهل روز راه مرد چابک سوار دارد به سوی فراخ کرت روان گردد و سرازیر شود، کرانه‌های آن به جوش درآید و در میانه آن برآید.»

«بند ۵. از این آب آفریده من روید به هر یک از هفت کشور روان گردد. رودی که در زمستان و تابستان یکسان است. ازدوی به خواست من آب و نطفه مردان و زهدان و شیرزنان را پاک کند.»<sup>(۱)</sup>

هرودوت، مورخ یونانی، ستایش آب را به ایرانیان نسبت داده و در بخشی از کتابش آورده است که «ایرانیان آب را نمی‌آلایند و در آن دست نمی‌شویند و نمی‌گذارند دیگری آن را به کثافت آلوده کند و احترامات زیادی برای آن قائلند.»<sup>(۲)</sup>

### آبانگان

براساس آنچه در برهان قاطع آمده است، روز دهم از ماه آبان، آبانگان نام دارد که آن روز اختصاص دارد به یکی از بزرگترین ایزدان مورد ستایش ایرانیان یعنی ایزد آناهیتا، سرپرست آب‌های روان و ایستا و دریاها و رودها و چشمه‌سارها. در اوستا، یشت پنجم موسوم به آبان یشت، در توصیف مقام و نیرو و ستایش این ایزد است.<sup>(۳)</sup> یکی از انگیزه‌های برگزاری این جشن آن بوده است که مدت هشت سال در ایران باران نیارید و بر اثر این مصیبت، خشکسالی و قحطی به وجود آمد. بسیاری از مردم تلف شدند و بسیاری ترک شهر و دیار کردند و به سرزمین‌های دیگر رفتند. سرانجام پس از هشت سال در چنین روزی باران بارید و خشکسالی و بیماری و ناداری و رنج از میان رفت. به همین دلیل مردمان این روز را گرامی داشتند و هر ساله به جشن و سرور و شادمانی پرداختند.<sup>(۴)</sup>

آب، مایه روشنایی و خیر و برکت است. به این جهت در جشن‌ها و مراسم گوناگون ایرانی حضور داشته و دارد. مثلاً برای نوروز، یا تنگی آب از چشمه می‌آوردند یا آب را در ظروفی ویژه می‌ریختند و تزئین

اسلام اهمیت زیادی برای پاکیزگی و بهداشت آب قائل است. در قرآن کریم چندین آیه درباره آب نازل شده است از آن جمله: «وجعلنا من الماء کل شیء حی» از آب هر چیزی را زنده گردانیدیم.

می‌کردند. در سفره نوروزی و هفت‌سین یکی از اقلام عمده، آب است. در بسیاری از روستاهای کنونی نیز رسم است آب پای هفت سین را دختران باکره از چشمه‌سارها می‌آورند. ایزد بانو آناهیتا، ایزد آب

است و به همین جهت دوشیزگان از چشمه‌ها که منسوب به آن‌هاست و این ایزد سرپرست این عنصر سازنده زندگی است، آب می‌دزدند و می‌آورند، کنایه از آنکه سراسر سال برایشان آبسالی باشد. آب در سفره نوروزی چون سایر چیزها نشانه باروری و برکت است.<sup>(۵)</sup>

اسلام نیز اهمیت زیادی برای پاکیزگی و بهداشت آب قائل است. در قرآن کریم چندین آیه درباره آب نازل شده است: «وجعلنا من الماء کل شیء حی» از آب هر چیزی را زنده گرداندیم (قسمتی از آیه ۳۰ سوره انبیاء) از پیامبر اسلام (ص) نقل شده است که انداختن آب دهان را در چاه آب آشامیدنی نهی فرموده‌اند. در دوره خلفا، امور بهداشتی را که از حدود وظایف پزشکان خارج شده بود، اشخاصی به نام محتسب بازرسی می‌کرده‌اند و نظارت در بهداشت مواد غذایی و آشامیدنی و حمام‌های عمومی از جمله اختیارات آنها بوده است.

در شریعت اسلام آب جزء بهترین پاک‌کننده‌هاست و گفته شده است که شیء نجس یا آلوده را باید سه الی هفت بار شستشو کرد که آب آخرین مرحله شستشو یعنی مرحله هفتم را آب پاکی می‌گویند که خود منشأ یکی از ضرب‌المثل‌هاست که در جای دیگری به آن اشاره می‌شود.

مولوی در دفتر پنجم در این زمینه چنین گفته است:

هین بیاید ای پلیدان سوی من	که گرفت از خوی یزدان خوی من
آب بهر آن بیارد از سماک	تا پلیدان را کند از خبث پاک
آب چون پیکار کرد و شد نجس	تا چنان شد کاب را رد کرد حس
حق ببردش باز در بحر صواب	تا بشستش از کرم آن آب آب
سال دیگر آمد او دامن کشان	هی کجا بودی به دریای جوشان
من نجس اینجا شدم، پاک آمدم	بستمم خلقت سوی خاک آمدم

در گوشه و کنار سرزمین پهناور ایران به تناسب میزان منابع آب موجود، افسانه‌ها و داستان‌های مختلفی که نیز منسوب به شخصیت‌های مذهبی و معصومان (ع) است، خلق شده تا از آن طریق مصرف بی‌رویه، آلوده کردن، بخشش و تقسیم آب منطقی شود و تحت کنترل درآید. در مراسم مذهبی، به ویژه عزاداری‌های ماه محرم، آب در قالب ابزار فرهنگی، برای حفظ یاد و خاطره شهدای آن ایام مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این رو، نذر سقا شدن و توزیع آب بین عزاداران و مردم، با استفاده از پشتوانه‌های اعتقادی، مرسوم شده است و تشنگان نیز پس از نوشیدن آب با جمله «فدای لب تشنه‌ات یا حسین» کارکرد اعتقادی این رسم را حفظ می‌کنند و استمرار می‌بخشند.

سقا و سقایی دو نوع است؛ یکی سیار و دیگری ثابت. سقاخانه‌های ثابت از جایگاه خاصی برخوردارند و به لحاظ فیزیکی دارای ویژگی‌های هنری و معماری ویژه‌ای هستند. بر سر دربنا‌ی سقاخانه‌ها بیت زیر به طرز خاصی و با استفاده از انواع کاشیکاری‌ها نوشته شده که در هر مصرع آن نمادهای مختلف فرهنگی، سیاسی و اعتقادی نهفته است.

آبی بنوش و لعنت حق بر یزید کن  
خود را فدای مرقد شاه شهید کن  
برخی از چشمه‌ها و رودخانه‌ها با استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی و اعتقادات و باورهای دینی از موقعیت ممتاز و کارکردهای خاصی برخوردارند و انتساب این توانایی‌ها به رودخانه‌ها عمدتاً ریشه در کارکرد امنیتی و حفظ و دوام آنها دارد تا به این وسیله از آلوده کردن و مصرف بی‌رویه و نزاع‌های احتمالی که در جریان کاربرد آن به وقوع می‌پیوندد، جلوگیری به عمل آید.

برای نامگذاری برخی از چشمه‌سارها از اسامی شخصیت‌های مذهبی و معصومان (ع) استفاده شده است. به همین دلیل نام بیشتر چشمه‌ها را چشمه‌علی خوانده و برای حفظ آن داستان یا خاطره‌ای ابداع کرده‌اند.

مردم شهر ری معتقد بودند که حضرت علی (ع) در چشمه علی استحمام کرده‌اند و به این دلیل آن را حرمت می‌گذارند.

چشمه‌هایی با نام مشترک «چشمه علی» در شمال غربی شهر دامغان، در کلات مازندران، در محلات، در اطراف شیراز و در مرز سیستان از این جمله‌اند. در قدمگاه مشهد چشمه‌ای وجود دارد که آن را به حضرت امام رضا (ع) منسوب می‌دانند. برخی از چشمه‌ها شفابخش و درمان‌کننده برخی از بیماری‌ها، از جمله عقیم بودن دانسته شده‌اند و مردم بر این باورند که اگر مرد یا زن عقیمی در آن غسل کند، صاحب فرزند می‌شود.

مراسم دعای باران یا باران‌خواهی در نتیجه ارتباطی است که بین انسان، اعتقادات و نیازهایش شکل گرفته است. بررسی مراسم باران‌خواهی در مناطق مختلف کشور نشان می‌دهد که مراسم مربوط به باران‌خواهی با آرد و در نتیجه نان پیوند دارد.

نزد عشایر سیرجان، بافت، بویراحمد، ایل قشقایی و برخی از مناطق روستایی و سرزمین‌های خشک ایران، یکی از عناصر مراسم باران‌خواهی آن است که به درب خانه‌ها می‌روند و صاحب خانه به کسی که سرکرده اجرای مراسم است، آرد یا قند هدیه می‌دهد و سرانجام در پایان مراسم با آرد جمع‌آوری شده نان پخته می‌شود و بین مردم روستا تقسیم می‌گردد.

در برخی از مناطق، از آرد جمع‌آوری شده و سایر مواد هدیه داده شده از سوی

مردم آتش پخته می‌شود که به آن «آش باران» می‌گویند و به عنوان نذری بین مستمندان و دیگران توزیع می‌گردد. کنش همگانی و عمومی مردم نسبت به موضوع و نیاز مشترک یعنی کمبود یا فقدان آب، زمینه را برای همبستگی بیشتر بین مردم فراهم می‌سازد و تعامل و کنش متقابل و همسو را تقویت می‌کند. به سخن دیگر، کمبود آب مشکل یا مسئله‌ای فردی تلقی نمی‌شود و جنبه همگانی دارد و با این دلیل انسجام و وحدت گروه‌ها را برای تأمین این نیاز عمومی

در شریعت اسلام آب جزو بهترین پاک‌کننده‌هاست و گفته شده است که شیء نجس یا آلوده را باید سه الی هفت بار شستشو کرد که آب آخرین مرحله شستشو یعنی مرحله هفتم را آب پاکی می‌گویند.

محکم‌تر و پایدارتر می‌سازد. به این ترتیب آداب و رسوم اجتماعی‌ای که تحت تأثیر حادثه یا پدیده‌ای اجتماعی یا طبیعی به وجود می‌آید، تضمین‌کننده موجودیت، وحدت، انسجام و انتظام اجتماعی و تحول فرهنگی می‌گردد.

### آب و امثال و حکم

در روزگاری که مردم این سرزمین نوشتن و خواندن نمی‌دانستند و به هر حال و کیفیتی زندگی می‌کرده‌اند، حوادث و سوانحی بر آنان می‌گذشته که آنها را به تفکر و تأمل وا می‌داشته است. عصاره حادثه‌ای که شاید مدت‌ها طول می‌کشیده و عوارض بد یا خوبی به بار می‌آورده، سرانجام در یک جمله یا عبارت گنجانده و جایگزین می‌شده است تا به آسانی در یادها بماند و سینه به سینه از هر نسل و دوره‌ای به نسل و دوره بعدی منتقل شود.

به این ترتیب امثال و حکم بخش عمده‌ای از ادب عامه است که از گذشته‌های دور و از طریق ادبیات شفاهی به ادبیات مکتوب وارد شده است و امروزه به عنوان یکی از مهمترین ابزارها و اسناد فرهنگی برای بررسی و شناخت ریشه‌های فرهنگ یک قوم یا یک ملت مورد استفاده قرار می‌گیرند. به سخن دیگر، امثال و حکم یکی از کهن‌ترین تراوش‌های ذهن و اندیشه هوشمندان گمنام است که از دیرباز به یادگار مانده و مانند کتیبه‌ها و سنگ نبشته‌های باستانی، معتبر و خدشه‌ناپذیر است، لذا نباید با بی‌اعتنایی به آنها نگریسته شود.

امثال و حکم جملات و عبارات کوتاهی هستند که هر جا پای استدلال سست و چوبین می‌شود، متکلم را یاری می‌دهد و با منطقی محکم و مستدل که پشتوانه تاریخی دارد، گوینده را آسوده می‌سازد. مرحوم مهدی پرتوی آملی می‌نویسد:

«امثال و حکم کامل‌تر از سایر ادبیات عامه و بیان‌کننده خلیات اقوام و جوامع است. معانی و مفاهیم مجازی و استعاره‌ای که در امثال و حکم به کار رفته، در واقع به منزله صحنه‌های نمایش می‌ماند که گویی اقوام و ملل تمام خلیات خویش اعم از غم



و شادی، پندارها، خرافات، عقاید و سنن، به طور کلی همه و همه این مسائل را در آن به روی صحنه می‌آورند و در معرض دید بینندگان و شنوندگان قرار می‌دهند، چه محیط طبیعی انسان‌ها با تمام ویژگی‌هایش به صورت طنز و کنایه در امثال و حکم شکل می‌گیرند و جلوه‌گری می‌کنند»<sup>(۶)</sup>

آب در ضرب‌المثل‌ها و کنایات ایرانی نماد زندگی؛ ابزار ارتباط، شناخت و معرفی افراد؛ مدیریت مطلوب؛ عقلانیت و سلامت جامعه؛ استواری و سلامت در بنیادها؛ زندگی جاوید؛ سرزنش دیگران؛ ناامید کردن؛ پنهان کاری؛ تضاد؛ افشاگری و... معرفی شده است که به تفسیر و تحلیل برخی از آنها می‌پردازیم.

## امثال ایرانی

### ۱ - آب حیات نوشید

کسی که عمر طولانی کند و روزگاری دراز در این جهان زندگی نماید، از باب مثال درباره او می‌گویند: «آب حیات نوشیده است» این عبارت بیشتر درباره بزرگان و دانشمندان و خدمتگزاران عالم انسانی که نام نیکی از خود بر جای گذاشته باشند، به کار برده می‌شود. صورت‌های دیگر این ضرب‌المثل که مورد استفاده قرار می‌گیرد، عبارتند از: آب حیوان، آب بقاء، آب خضر، آب زندگانی و آب اسکندر. هر یک از صور فوق، نمادی از حادثه‌ای تاریخی و اجتماعی است که در شکل‌های مختلف تبلور پیدا کرده است، ولی آنچه در این مثل کارکرد و نقش اصلی خود را ایفا می‌کند، زیستمایه حیاتی «آب» است که پیام‌آور جاودانگی مادی و معنوی است.

### ۲- آب از سرچشمه گل‌آلود است

آب زلال و شفاف، نماد صحت و سلامت اندیشه و عمل، انضباط و تعادل در اعمال و رفتار و کفایت تدبیر است. حال وقتی در اداره یک سازمان یا نهادی اجتماعی،

مسئول و مدیر اصلی آن از کفایت، تدبیر، آگاهی و مهارت برخوردار نباشد و اختلال و نابسامانی در اداره امور مشاهده گردد، ضرب‌المثل فوق به کار برده می‌شود و چنین مستفاد می‌گردد که اگر آب در سرچشمه گل‌آلود نباشد، آنچه از آن جریان می‌یابد نیز تیره نخواهد بود و کارکرد آن مثبت و قابل اعتناست. مثل فوق نمایانگر مدیریت متمرکز و ارتباط عمودی در اداره امور است. این مثل با ساختار جامعه فلاحتی که مشارکت همگانی در اداره امور ضعیف است، مطابقت دارد. در چنین جامعه‌ای افراد نقشی در اداره امور ندارند و همگان بر این باورند که مدیرانی که در رأس هرم اداره جامعه هستند، نقش اصلی را در اداره امور به عهده دارند. به سخن دیگر، با تحلیل محتوای امثال و حکم نیز می‌توان ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اعتقادی و... جامعه را روشن ساخت و نقش تاریخ‌نویسان را که تحت تأثیر بیش‌حاکم عصرخویش هستند، خنثی نمود. به زعم مرحوم مهدی پرتوی آملی، مثل فوق از زبان بیگانه وارد ادب عامیانه مردم ایران شده است و اصل عربی آن چنین است: «إذا طانت العين، عذبت الأنهار» یعنی چون آب در سرچشمه صاف و زلال باشد در نهرها و جویبارها هم صاف خواهد بود.

برخی این مثل را یونانی دانسته و آن را منسوب به ارسطو کرده‌اند. ارسطو گفته است: «پادشاه مانند دریا و ارکان دولت نهرهایی هستند که از دریا منشعب می‌شوند.» میرخواند آن را منسوب به افلاطون و عطار آن را منسوب به شقیق بلخی دانسته است.

### ۳- آب پاکی روی دستش ریخت

در شریعت اسلام آب جزء بهترین پاک‌کننده‌هاست و گفته شده است هر شیء نجس یا ناپاکی را باید سه تا هفت مرحله شستشو داد. به آبی که در مرحله پایانی، یعنی مرحله هفتم بر شیء ناپاک ریخته می‌شود، «آب پاکی» می‌گویند که نشان می‌دهد این آب، هم پایان کار و هم پاک‌کننده آن است. به سخن دیگر، آب پاکی آب آخرین است که در مثل فوق، در قالب کنایه یا نماد از آخرین حرف به کار برده می‌شود.

کاربرد این مثل در محاورات اجتماعی جنبه منفی دارد، در حالی که در عمل شستشو، این جنبه مثبت است.

به این ترتیب هرگاه کسی به امید موفقیت و انجام مقصودی مدت‌ها تلاش کند، ولی با صراحت و قاطعیت با پاسخ منفی روبه‌رو گردد و دست رد به سینه‌اش گذارند و او را در انجام کار و هدفی که تعقیب می‌کند، ناامید سازند، مثل فوق را به کار می‌برند. لذا واژه آب و واژه پاکی که به آن اضافه شده است، بر خلاف سایر مثل‌ها که نوید امید، حیات و تدبیر و... را می‌دهد، در این مثل نماد ناامیدی و شکست و بی‌حاصل کردن تلاش و کوشش است.

#### ۴- آب زیر کاه

کاه دارای وزن بسیار کمی است و وقتی در مکانی متراکم شود و آب جریان پیدا کند کاه بر روی آب شناور می‌شود و حرکت آب به درستی قابل رؤیت نیست.

کسی که مسیر زندگی و ارتباطات اجتماعی او بر پایه مکر و حيله باشد، ولی برای اجرای مقاصد خود قیافه حق به جانب به خود بگیرد، این مثل در مورد او به کار برده می‌شود. به سخن دیگر، این مثل نماد پنهان‌کاری، نیرنگ‌بازی، ناشناختگی هدف و عمل، بدگمانی و ظاهرسازی است که آب به عنوان منبع حرکت و انرژی در آن به کار برده شده است.

گفته می‌شود این ترکیب کنایی ریشه در حوادثی دارد که در شرایط جنگی اتفاق می‌افتند.

برای اینکه بتوان دشمن را در جنگ شکست داد، در مسیر حرکت آنها گودال‌ها و کانال‌هایی حفر می‌کرده و روی آنها را با کاه می‌پوشانده‌اند تا دشمن در موقع حرکت در باتلاق‌ها و کانال‌های حفر شده فرو رود و در این پیشروی با مانع روبه‌رو شود و یا این حرکت به کندی صورت گیرد. همان‌طور که گفته شد، حرکت آب در زیر کاه قابل رؤیت نیست و از همین رو، معنی ترویز و نیرنگ از آن مستفاد می‌شود. لذا به زعم دو

گروه متخصص استفاده از این شیوه دو معنی متفاوت دارد؛ گروهی که از طریق این ابزار از خود دفاع می‌کند، آن را تدبیر جنگی می‌نامد و دسته مهاجم آن را تزویر تلقی می‌کند. به این ترتیب آب زیر کاه در قرون و اعصار مختلف به عنوان شیوه و ترفندی جنگی مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

#### ۵- آبشان از یک جوی نمی‌رود (نمی‌گذرد)

آب در مثال فوق نماد روش، اندیشه، هدف، تفکر، بی‌تنبلی و... است و تحلیل کل ضرب‌المثل نشان‌دهنده تضاد و نبود همکاری، مشارکت، تعاون و ناهماهنگی است. بنابراین وقتی بین دو یا چند نفر در امری توافق و سازگاری وجود نداشته باشد، به ضرب‌المثل فوق استناد می‌کنند. یغمای جندقی مثل فوق را در رباعی زیر چنین آورده است:

زاهد به کتابی و کتاب من و تو      سنگ است و طراحی انتساب من و تو  
تو مرده کوثری و من زنده می      مشکل که به یک جو رود آب من و تو  
جایگزینی واژه آب در مقام واژه‌های کیفی فرهنگی، نشان‌دهنده نفوذ و اهمیت این ماده حیاتی و حیات‌ساز در شبکه ساختی فرهنگی سرزمین ماست.

#### ۶- اگر برای من آب ندارد، برای تو که نان دارد

براساس اسناد و مدارک تاریخی، از عمر شکل‌گیری مثل فوق خیلی نمی‌گذرد و گفته می‌شود که اصل آن متعلق به حاج میرزا آقاسی وزیر محمدشاه قاجار است که عشق زیادی به حفر قنات و توپ‌سازی داشته است. آقاسی از یکی از قنات‌های در حال حفر بازدید می‌کرد، مقنی از بیهوده بودن حفر آن و نداشتن آب شکایت داشت. سرانجام آقاسی به حفرکنندگان قنات می‌گوید: «اگر برای من آب نداشته باشد برای تو که نان دارد».

مثل فوق نشان‌دهنده کارکرد پدیده‌های اجتماعی و یکسان نبودن فرایند آن برای همگان است. به گفته مرتون، استثمار کارگر برای کارفرما مفید و سرمایه ساز است، در حالی که برای کارگر ستم و رنج در پی دارد.

روی هم رفته مثل فوق در مواردی به کار برده می‌شود که اگر در کاری احتمال ضرری باشد، آن ضرر برای گروهی دیگر منافی در پی داشته باشد. واژه آب در مثل فوق نماد فایده، ارزش، رضایت خاطر، دستیابی به هدف و... است.

دکتر نصرت‌الله قاسمی در ابیاتی چند در زمینه فوق و در باب گفتگویی که بین آقاسی و مقنی صورت گرفته، چنین گفته است.

نرسد چاه تو اینجا چو به آب	همت این چاه کنی کندن جان
لیک حاجی چو به آبادانی داشت	علقه بسیار به پیدا و نهان
در جوابش سخنی نادره گفت	که ازو مانده مثل در دوران
گر ندارد ز برای من آب	در عوض دارد از بهر تو نان
طرفه آنست که این کهنه مثل	هست نو، باز در این عهد و زمان
عاملانی که کنون در کارند	همه از خرد و کلان، پیر و جوان
چاه آبی بکنند و ببرند	به حساب من و توسود کلان
باد رحمت به روان حاجی	از من و از تو و این چاه کنان

#### ۷- با آب حمام دوست می‌گیرد

آب در این مثل ابزار و نماد ارتباط است. جایگزین سلام و تعارف‌های رسمی و غیررسمی است که به عنوان عنصری کم‌ارزش، ولی با کارکرد اجتماعی بالا مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ترکیب انسانی فضای حمام عمومی از اشخاص و افرادی است که گاه ممکن است آگاهی و شناختی نسبت به یکدیگر نداشته باشند. مکانی است که تجمع موقتی افراد را در پی دارد و کارکرد آن زدودن ناپاکی‌های جسمانی به وسیله آب است که به وفور در

اختیار استفاده‌کننده‌ها قرار می‌گیرد. به سخن دیگر، دستیابی به آب و حمام بسیار سهل و کم‌بها بود، ولی ابزاری اجتماعی و ارتباطی به شمار می‌رفت که زمینه ایجاد یا حفظ ارتباطات عاطفی را فراهم می‌ساخت. لذا کسانی که به طرق سهل و ساده و بدون زحمت موفق به جلب دوستی دیگران می‌شوند و با استفاده از بیان و لحن خوش، محبت و عواطف دیگران را جذب می‌کنند و دوستی و همبستگی به وجود می‌آورند، این مثل برای آنها به کار برده می‌شود.

مرحوم مهدی پرتوی آملی می‌نویسد:

«... هرکس وارد خزینه حمام می‌شد به افرادی که در خزینه به شستشو مشغول بودند، سلام می‌کرد و در همان پله اول خزینه یک مشت آب برمی‌داشت و به یکایک افراد تعارف می‌کرد. برای تازه وارد مهم نبود که افراد حاضر در خزینه با او آشنا هستند یا نه، لذا به همه آب مفت و مجانی و کم‌ارزش خزینه را تعارف می‌کرد و از این طریق با آنها ارتباط برقرار می‌ساخت و چه بسا از این طریق دوستی و صمیمیتی بین افراد پایه‌گذاری می‌شد.»

## ۸ - پته‌اش روی آب افتاد

پته در زبان فارسی در معانی مختلفی به کار برده می‌شود؛ از آن جمله:

- ۱- جواز خروج از کشور
- ۲- جواز یا اجازه خروج کالا یا حیوان از کشور
- ۳- بندی چوبی که بر سر راه آب قرار می‌گیرد.

در روزگار گذشته که آب لوله‌کشی در شهرها وجود نداشت، آب قنات و چشمه‌ها به نوبت در محله‌های مختلف از طریق جویبارها جاری می‌شد و هر خانه‌ای به نوبت آب مورد نیاز خود را در حوض یا آب‌انبار ذخیره می‌کرد. معمولاً جریان روزانه آب در جویبارها سبب آلوده شدن آن می‌شد و خانواده‌ها ترجیح می‌دادند که شب‌ها به پر کردن حوض یا آب‌انبار خود اقدام کنند. گاهی برخی از افراد با استفاده از مجاری مخفی و به کار بردن بندی چوبی، مسیر آب دیگران را کند یا مسدود می‌کردند تا حوض یا آب‌انبار خود را پر کنند یا درختان و باغچه خود را مخفیانه آبیاری نمایند. گاه

اتفاق می‌افتاد که تحت تأثیر فشار جریان آب، بند چوبی افراد از جا کنده می‌شد و روی آب می‌افتاد و معلوم می‌شد که چه کسی از حق آب دیگران مخفیانه استفاده می‌کند. به این دلیل راز و عمل مخفی او فاش می‌شد و مردم می‌گفتند که پته‌اش روی آب افتاد. به این ترتیب هرگاه راز کسی فاش شود، می‌گویند: «پته فلانی روی آب افتاد». آب در این مثل به مثابه ابزار آشکارکننده، رسواکننده و افشاکننده به کار رفته است.

## ۹- بند را آب دادن

مثل فوق تقریباً هم‌معنی «پته‌اش روی آب افتاد» است. مرحوم علی اکبر دهخدا مفهوم مجازی مثل فوق را از دست دادن یا از دست رفتن سرمایه می‌داند و می‌گوید، وقتی از کسی سؤال می‌شود که چرا در مخارج خود صرفه‌جویی نمی‌کنی، در پاسخ می‌گوید: «دیگر بند ما را آب برده است.» یعنی همه چیز بر باد رفته است و دیگر چیزی در بساط نیست.

در مفهوم دیگری، مثل فوق در مورد بی‌احتیاطی و فاش شدن راز افراد به کار برده می‌شود و آن وقتی است که فرد از روی بی‌احتیاطی و بی‌دقتی مطلبی را که راز و سر بوده است، فاش کند که در این زمینه گفته می‌شود «فلانی بند را آب داد». آب در این مثل مفهوم جاری شدن، همگانی شدن، بی‌احتیاطی و بی‌دقتی، برملا کردن و سرمایه است و به جای یکی از عناصر فرهنگی نشسته است.

## ۱۰- سر و گوش آب دادن

این ترکیب کنایی تقریباً در بین تمام طبقات جامعه از خرد و کلان رواج دارد و زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که پای تحقیق و تفحص و کسب اطلاع از امری در میان باشد.

مادری به دخترش می‌گوید به خانه فلان کس برو و سر و گوشش آب بده ... مقصود آن است که کسب اطلاع کن تا بدانیم در آنجا چه خبر است. به سخن دیگر، این کنایه به منظور کسب اطلاعات و اخبار درباره دیگری به کار برده می‌شود.

مهدی پرتوی آملی بر این باور است که مهاجمان به قلعه‌ها، از طریق مجاری قنواتی که مظهر آن در درون قلعه باز می‌شده است، به درون قلعه نفوذ می‌کرده‌اند تا اطلاعات مورد نیاز را برای حمله به قلعه به دست آورند و برای اینکه از سوی نگهبانان قلعه شناسایی نشوند، به هنگام عبور آنان از کنار مظهر قنات سر و گوش خود را زیر آب می‌کردند. برای این کار فرماندهان به مأموران خود می‌گفتند به درون قلعه بروند و از طریق سر و گوش به آب دادن، اطلاعات و اسرار درون قلعه را به دست آورند. به سخن دیگر، سر و گوش آب دادن در معنی جاسوسی به کار برده می‌شود و آب نماد پنهان‌کاری و مخفی شدن است.

### ۱۱- آب و جنسیت

در بررسی حدود پنجاه مثل، که با استفاده از اسناد و مدارک و مصاحبه و مشاهده صورت گرفته، تنها یک مثل با موضوعیت آب به دست آمد که بیان‌کننده صفت خاصی است که فرهنگ عمومی جامعه برای زنان قائل بوده و آن مثل چنین است: «آب در غربال بهتر می‌ماند تا راز در دهان زنان».

در این مثل آب به مثابه و مترادف با راز به کار برده شده و نشان‌دهنده این باور عمومی است که زنان رازدار نیستند و یا آنکه در رازداری نمی‌توان به آنها اعتماد کرد. تحلیل مردم‌شناختی مثل فوق نشان‌دهنده نگرش جامعه سنتی (روستایی و عشایری) نسبت به منزلت و جایگاه اجتماعی زن است.

\*\*\*

ترکیب‌ها و مفاهیم دیگری که به صورت اسمی و یا به صورت فعلی، با آب ساخته شده‌اند، بسیارند و تفسیر و تحلیل همه آنها از حوصله این نوشته خارج است، اما به منظور آگاهی از برخی از این ترکیب‌ها فهرست ۴۸ مثل ترکیبی ارائه می‌شود.

۱- آب به آسیاب دشمن ریختن.

۲- آب در کوزه و ما تشنه لبان می‌گردیم.

۳- آب از سرچشمه گل است.

۴- از آب گذشته.



- ۵- آب که از سر گذشت چه یک وجب، چه صد وجب.
- ۶- آب نطلییده مراد است.
- ۷- آب از آب تکان نخوردن.
- ۸- آب که یک جا جمع بشود، می‌گردد.
- ۹- از آب و گل بیرون آمدن.
- ۱۰- آب در هاون کوبیدن.
- ۱۱- آب کفن خشک شدن.
- ۱۲- کور کور را می‌جوید و آب گودال را.
- ۱۳- آب توی دل کسی تکان نخوردن.
- ۱۴- از آب گل‌آلود ماهی گرفتن.
- ۱۵- آب پاکی روی دست کسی ریختن.
- ۱۶- آب به آب شدن.
- ۱۷- دهن ... آب افتادن.
- ۱۸- نونت نبود آبت نبود این کار کردنت چه بود؟
- ۱۹- آبت سرد و نونت گرم.
- ۲۰- آب از گلو پایین نرفتن.
- ۲۱- دل به دریا زدن.
- ۲۲- آب از دست کسی نچکیدن.
- ۲۳- آب روی آتش ریختن.
- ۲۴- آب زیر پوست کسی افتادن.
- ۲۵- آب نمی‌بیند و گرنه شناگر خوبی است.
- ۲۶- آب در غربال بهتر می‌ماند تا راز در دهان زن (رازدار نبودن زنان).
- ۲۷- آب تندرو پل خراب می‌کند (تندروی‌های افراطی در کارها).
- ۲۸- آب می‌دهد اما گلاب می‌گیرد (بیشتر از آنکه بدهد، می‌گیرد).
- ۲۹- آب همیشه به گودی می‌افتد نه به بلندی.
- ۳۰- چشمه باید از خودش آب در آورد.
- ۳۱- گلیم خود را از آب بیرون کشیدن.

- ۳۲- از آب کره گرفتن.  
 ۳۳- کنار دریا می‌رود و کاسه آب با خودش می‌برد.  
 ۳۴- دنیا را آب برده، حسنی را خواب.  
 ۳۵- آب از تارک کسی بر تن گذاشتن.  
 ۳۶- آب از جگر بخشیدن.  
 ۳۷- آب از چک و چانه سرازیر شدن.  
 ۳۸- آب از سر کسی گذاشتن.  
 ۳۹- آب با غربال پیمودن.  
 ۴۰- آب پس ندادن.  
 ۴۱- آب بی‌لجام خوردن.  
 ۴۲- آب توبه به سر کسی ریختن.  
 ۴۳- آب در جگر گذاشتن.  
 ۴۴- آب در چشم گذاشتن.  
 ۴۵- آب در دهان آمدن.  
 ۴۶- آب سفت کردن.  
 ۴۷- حق آب و گل داشتن.  
 ۴۸- آب از آسیاب افتادن.

## پی‌نوشت:

- ۱- مهندس، ابوطالب، منابع آب‌های ایرانی، بی‌نا، بی‌تا، ص ۱۵.  
 ۲- همان، ص ۱۳.  
 ۳- رضی، هاشم، گاه‌شماری و جشن‌های ایران، بهجت، ۱۳۸۰، ص ۶۷۱.  
 ۴- همان، ص ۶۷۲.  
 ۵- همان، ص ۳۸۸.  
 ۶- پرتوی آملی، مهدی، امثال الحکم (مقدمه) چاپ سوم، جلد اول، بی‌نا، ۱۳۷۴.